

حضرت ذوالقرنین یا کوروش بزرگ

برای ذوالقرنین معانی گوناگونی ذکر شده است. برخی ذوالقرنین را به معنای - دو قرن - گرفته اند. به این معنی که مردم را در حدود دو قرن یا دو نسل دعوت به حق نمود.

برخی نیز گفته اند: ذوالقرنین، یعنی کسی که بر شرق و غرب دنیای شناخته شده آن روز حکومت داشته است.

در آرامگاه کوروش پیکر تقدیس از روح و « فروهر» کوروش را نیز به شکل فرشته ای ساخته بودند. که ذوالقرنین بوده و همانست که می نویسند بر بالای آن کتیبه ای داشته که نام کوروش بر آن نوشته بوده بالای آرامگاهش مجسمه بالدار هنوز هست و ابولکام آزاد براساس همین مجسمه آنرا ذوالقرنین خوانده است و کوروش را همان ذوالقرنین یاد شده در قرآن دانسته است. در تورات هم به کوروش لقب عقاب شرق داده اند.

ذوالقرنین اولین کسی است که سد ساخته است و از آهن به نحو انبوه استفاده کرده است و سدی که او ساخته بود از آهن خالص بوده است.

در روایات آمده است که گروهی از مردم نزد ذوالقرنین آمدند و از طایفه ای شریر و خونریز که به « یأجوج و ماجوج (همان قوم مغول)» معروف است، به شکایت پرداختند و گفتند که از آزار و اذیتهای این قوم به ستوده آمده اند. چه بهتر که چاره ای برای در امان ماندن از دست آنها اندیشیده شود. ذوالقرنین به درخواست آنها جواب مثبت داد و برای آنها سدی از آهن ساخت تا از آزار و دست درازی آن قوم در امان باشند.

گفته شده است که این سد در مکانی که از دو طرف با کوههای سر به فلک کشیده محصور بود، ساخته شده است. اکنون سدی با همان مشخصات در گرجستان امروزی پیدا شده است و در تنگه داربال واقع است.

برخی با غرض یا به اشتباه اسکندر گجستیک (ملعون) را ذوالقرنین می دانند لیکن این معنی با کلام قرآن سازش ندارد. چون نخست قرآن می گوید ذوالقرنین مؤمن به خدا و روز قیامت بوده است و دین او دین توحید بوده است؛ ولی ما میدانیم که اسکندر مشرک بوده و در تاریخ آمده است که ذبیحه خود را برای ستاره مشتری ذبح نموده است.

و دوم قرآن ذوالقرنین را مرد صالح از عباد خدا و صاحب عدل و رفق می شمارد؛ و تاریخ برای اسکندر خلاف آنرا بیان میکند.

سوم اینکه در هیچیک از تاریخها نیامده است که اسکندر مقدونی سد یأجوج و ماجوج را بنا کرده باشد. به هر حال از ذوالقرنین در قرآن به عنوان شخصیتی دادگستر و بشردوست یاد شده است. و در تمام نوشته هایی که از زمان باستان چه در کتابهای دینی چه کتابهای غیر دینی آمده کوروش را فردی دادگستر و بشر دوست و کسی که اولین بنیانه حقوق بشر را اجرا کرده است و کتیبه اش هنوز موجود می باشد ، ذکر شده است.

دوتا از فروع دین ما تولی و تبری است که یعنی دوست داشتن دوستان خدا و دشمن داشتن دشمنان خدا است چون کوروش بزرگ دوست خدا فردی بود که احکام خدا را در زمین جاری می کرد و در واقع نماینده خدا در زمین بود باید مورد احترام همگی ما باشد و مقامش را گرامی داریم و نگذاریم آرامگاهش از بین برود و یا به او بی توجهی و توهین شود .

ترجمه آیه های قرآنی سوره کهف :

و از تو از ذوالقرنین می پرسند . بگو : برای شما از او خبری خواهم خواند (۸۳) .

ما به او در زمین تمکین و قدرت دادیم و از هر چیز وسیله ای عطا کردیم (۸۴) .

پس راهی را تعقیب کرد (۸۵) .

چون به غروبگاه آفتاب رسید آن را دید که در چشمه ای گل آلود فرو می رود و نزدیک چشمه گروهی را یافت گفتیم ای ذوالقرنین یا عذاب می کنی یا میان آن طریقه ای نیکو پیش می گیری (۸۶).

گفت : هر که ستم کند زود باشد که عذابش کنیم و پس از آن سوی پروردگارش برند و سخت عذابش کند (۸۷) .

و هر که ایمان آورد و کار شایسته کند پاداش نیک دارد و او را فرمان خویش کاری آسان گوئیم (۸۸) .

تا به طلوعگاه خورشید رسید و آن را دید که بر قومی طلوع می کند که ایشان را در مقابل آفتاب پوششی نداده ایم (۹۰) .

چنین بود و ما از آن چیزها که نزد وی بود به طور کامل خبر داشتیم (۹۱) .
آنگاه راهی را دنبال کرد (۹۲) .

تا وقتی میان دو کوه رسید مقابل آن قومی را یافت که سخن نمی‌فهمیدند (۹۳) .

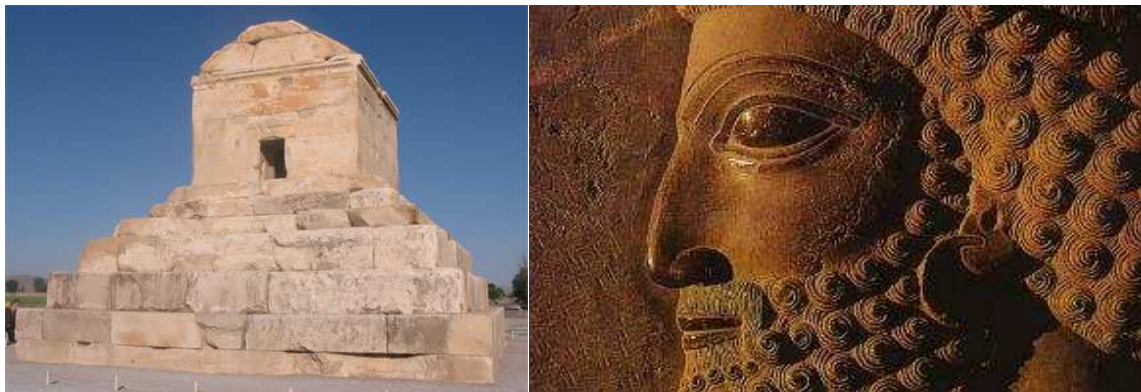
گفتند : ای ذو القرنین یاجوج و ماجوج در این سرزمین تباهاکارند آیا برای تو خراجی مقرر داریم که میان ما و آنها سدی بنا کنی (۹۴) .

گفت : آن چیزها که پروردگارم مرا تمکن و قدرتی آن را داده از خراج شما بهتر است اما مرا به نیرو کمک دهید تا میان شما و آنها حائلی کنم (۹۵) .

قطعات آهن پیش من آرید تا چون میان دو دیواره پر شد گفت : بدمید تا آن را بگداخت گفت : روی گداخته نزد من آرید تا بر آن بریزم (۹۶) .

پس نتوانستند بر آن بالا روند ، و نتوانستند آن را نقب زنند (۹۷) .

گفت : این رحمتی از جانب پروردگار من است و چون وعده پروردگارم بیاید آن را هموار سازد و به پیمان خود عمل کند و آن سد را متلاشی و پاره پاره گرداند.



مفسرین درباره اینکه ذو القرنین کدام شخصیت تاریخی است و سدش در کجاست اختلاف نظر دارند. علامه طباطبایی در این باره هفت نظریه را به طور کامل نقل کرده و بعد آن‌ها را نقد نموده است. در اینجا نظریه مهم‌تر را به اختصار بیان می‌کنیم: کوروش هخامنشی جدیدترین نظریه درباره ذو القرنین است. کوروش هخامنشی پادشاه ایران باستان بوده و سد او سد داریال واقع در مناطق کوهستانی قفقاز و بین شهرهای تفلیس و ولادی کیوکز می‌باشد. نظریه چهارم نیز تا حدودی مورد تایید تاریخ و شواهد موجود می‌باشد. این نظریه سرآمدخان هندی است و دانشمند معروف مسلمان مولانا ابو الکلام آزاد که روزی وزیر فرهنگ کشور هند بوده آن را در کتاب محققانه‌ای که در همین زمینه نگاشته است به طور مفصل بیان کرده است. (۳۱) مولانا ابو الکلام این نظریه را از چند جهت بررسی و اثبات کرده است که ما در اینجا بخش اصلی آن را به طور خلاصه می‌آوریم:

- شخصیت ذو القرنین طبق نظریه قرآن ذو القرنین مردمی مؤمن به خدا و معاد بوده است کوروش نیز طبق نظر تاریخ و کتب عهد عتیق چنین بوده است. ذو القرنین پادشاهی عادل و رعیت پرور و دارای بخشش بوده؛ کوروش هم طبق تاریخ کتب عهد عتیق و نظر مورخین قدیم مانند هردوت و دیگران پادشاهی با مروت قنوت سخاوت و کرم بوده است؛ چنان که از تاریخ زندگی او و برخوردش با یایگان که با او می‌جنگیدند یا او با آنها جنگیده است معلوم می‌شود. ذو القرنین از طرف خداوند دارای توانایی‌ها و امکانات فراوانی مانند عقل تدبیر فضایل اخلاقی ثروت و شوکت ظاهری بوده و کوروش نیز همه این‌ها را داشته است.

- مسافرت‌های ذو القرنین همان طور که قرآن درباره ذو القرنین فرموده کوروش نیز سفرهایی به مغرب و مشرق داشته است و جریان سفر به مغرب او چنین است که پادشاه سرزمین لیدیا بدون هیچ مجوز و عذری به طرف کوروش لشکرکشی کرد. کوروش نیز به طرف ایشان حرکت کرده و با آنان جنگید. پایتخت لیدیا را فتح کرد و بر آنان پیروز شد و بعد آنان را عفو نمود. همچنین او سفری به مشرق داشته و تا بکریا (بلخ) پیش رفته است تا به غائله قبایل وحشی و صحرانشین آنجا پایان دهد.

- سدسازی ذو القرنین همان طور که ذو القرنین سدی آهنین برای جلوگیری از حملات اقوام یاجوج و ماجوج (مغول) بنا کرد کوروش نیز طبق نظر مورخین سفری به طرف شمال ایران برای خاموش کردن فتنه‌ای در آن نواحی انجام داده است و گویا در همین سفر سد موجود در تنگه داریال را به درخواست اهالی آن مرز و بوم ساخته است. این سد تنها سدی است که در ساخت آن از آهن استفاده شده است و هم اکنون هم موجود است. به زبان محلی آن را دمیر قابو یعنی دروازه آهنی می‌نامند. تنگه داریال واقع در سلسله جبال قفقاز است که از دریای خزر شروع شده و تا دریای سیاه ادامه دارد. این سلسله کوه‌ها به ضمیمه دریای خزر و دریای سیاه مانعی طبیعی به طول هزارها کیلومتر بین شمال و جنوب آسیا بوده است و تنها راه بین شمال و جنوب همان تنگه داریال بوده که با سد دمیرقابو بسته شده است.

کوروش کبیر اولین پادشاه هخامنشی، افزون بر ایرانیان، به دلیل صدور نخستین اعلامیه حقوق بشر نزد همه جهانیان و دانشمندان محترم است. در دوران باستان نیز بسیاری از اندیشمندان (مانند افلاطون، فیثاغورث، هرودت، گزنفون، دیودور سیسیلی و...) او را ستوده اند. کوروش بزرگ بنا به پژوهشهای ۱۰۰ ساله اخیر دانشمندان مسلمان همان ذوالقرنین است که در سوره کهف قرآن (آیات ۸۲ تا ۹۹) از او یاد شده است. کوروش نزد یهودیان، زرتشتیان، مسیحیان و مسلمانان از جنبه آسمانی و تقدس برخوردار است. در کتاب تورات از او به عنوان حضرت مسیح، فرستاده پروردگار، شکست دهنده فرعونیان، شاهین خدا، نجات بخش و دانشمند خدا نام برده شده است.

در صحن عزرای پیامبر آمده است: کوروش فرمود خداوند به من دستور داده است تا خانه ای برای او در بیت المقدس بسازم. ابوریحان بیرونی (قرن ۴ هجری) و غیاث الدین خواند میر (قرن ۶ هجری در کتاب حیب السیر، جلد یک، صفحه ۱۲۶) از او بعنوان بانی بیت المقدس و مسجد الاقصی (یا همان قبله نخست مسلمانان) نام می برند. در تفسیر قرآن ابوالفتح رازی آمده است: که خدای تعالی بر زبان بعضی پیغمبران امر کرد پادشاهی از پادشاهان پارس را نام او کوروش و او مردی بود مومن. مسعودی در کتاب مروج الذهب، صفحه ۶۰۶ می نویسد: این خبر در انجیل هست که کوروش پادشاه، ستاره را که هنگام مولود عیسیای مسیح طالع شده بود، دیده بود... و ما تفصیل این ماجرا را با آنچه مجوس و نصاری در باره آن گفته اند... در کتاب «اخبارالزمان» آورده ایم.

آرامگاه باشکوه کوروش بزرگ در پاسارگاد طرحی گنبدی، باوقار، متوازن، مقدس و اهورایی دارد. ساختمان این گونه آرامگاه، پیش و پس از آن دیده نشده است. پس از اسلام در دوران پادشاهی اتابکان فارس (در قرن ۵ و ۶ هجری خورشیدی) به دلیل جنبه تقدس آرامگاه، مسجدی در اطراف آرامگاه ساخته، درون آرامگاه هم محرابی از سنگ تراشیده و پیرامون آن آبانی از قرآن به خط ثلث نگاشته اند. (دکتر رضامرادی غیاث آبادی در کتاب نقش رستم و پاسارگاد). قبله نمایی نیز در کنار مهرباب تراشیده اند. در زمان گذشته نوشته ای در آرامگاه به خط میخی بوده که متن آن، چنین است:

« ای رهگذر، من کوروش هستم که پادشاهی جهان را به پارسیان دادم، به مثنی خاک که پیکرم را در برگرفته رشک میر »



در دشت مرغاب در پاسارگاد، نقش برجسته‌ای از کوروش بزرگ باقیمانده است که همچون فرشتگان، با بالهایی آسمانی تراشیده شده است. نکته جالب است که ایرانیان از زمان باستان تاکنون این پیکره را مقدس می‌دانند و با اینکه پیکره‌های دیگر در سراسر ایران در اثر نادانی آسیب دیده است هیچ‌کس جرأت نداشته به این پیکره اهورایی آسیب برساند! هنوز هم تصور مقدس بودن این پیکره در میان مردم بومی باقی است (دکتر بهرام فره‌وشی در کتاب ایرانویچ). مردم محلی داستان او را رو به قبله و در حالت نیایش می‌دانند و مردم منطقه نذرهای خود را تقدیم آرامگاه می‌کردند (دکتر باستانی پاریزی در کتاب کوروش ذوالقرنین). آب رودخانه پلوار نیز همیشه آبی مقدس و شفا بخش به شمار می‌آمد. (دکتر شاپور شهبازی در کتاب پاسارگاد). دکتر جمشید صداقت کیش در ویژه نامه فصل نامه فارس شناخت در نوشتار مسجدهای فارس در صفحه ۸۸ می‌نویسد: در روایت‌های اسلامی هم از مقدس و آسمانی بودن این جایگاه سخن بسیار رفته است از جمله در کتابهای زیر:

- ۱ - مسالك و ممالك (اصطخری به سال ۳۲۰ هجری) صفحه‌های ۱۰۹ و ۱۴۱
- ۲ - حدود العالم من المشرق الی المغرب (نوشته شده به سال ۳۷۲ هـ) صفحه ۱۲۱
- ۳ - اشکال العالم (ابوالقاسم جیهانی به سال ۲۶۷ هـ) صفحه‌های ۱۱۲ و ۱۲۲
- ۴ - نزهت القلوب (حمداله مستوفی به سال ۷۴۰ هـ) صفحه ۱۷۸

استاد ابراهیم پورداود (کتاب ذوالقرنین و کوروش از محمد کاظم توانگر زمین): هر ایرانی همانگونه که مکلف است در صورت استطاعت در مدت عمر خود یک بار به حج مشرف شود شایسته است که یک بار هم به زیارت کوروش که پایگاه ملیت ایرانی است خود را برساند. نه فقط بخاطر ایرانی بودن بلکه به جهت زیارت فردی که قرآن بیشترین تعریف (۱۷ آیه) در مورد یک زمامدار را از او کرده است.

با این همه نشانه‌ها آشکار است که کوروش بزرگ همان ذوالقرنین است و با این همه نشانه از مقدس بودن آرامگاه کوروش کبیر نزد تمامی ملت‌های جهان، جای بسی تاسف است که این بنا با ارزش در آینده نزدیک بخاطر رطوبت و یا آبگرفتگی ناشی از سد سیوند برای همیشه از بین خواهد رفت....." از ماست که برماست "

<http://www.kurosh-iran.blogfa.com/post-17.aspx>